

تأثیرات عاشورا در وحدت مسلمانان

قربانعلی هادی^۱

چکیده

عاشورا با مبانی مهمی چون توحید، قرآن و نبوت، از نگاه درون‌دینی و بیرون‌دینی و تکیه بر اعتقادات اسلامی - انسانی چون امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه، اصول و مشترکات انسانی، چون آزادی، کرامت و عزت انسانی، در وحدت بین مسلمانان تأثیرگذار است. از منظر روان‌شناختی و عاطفی - روانی شهادت امام حسین و یاران باوفایش، اسارت اهل بیت پیامبر و هتک حرمت آنان، به عنوان محرک‌های عاطفی - روانی در رسیدن مسلمانان و انسان‌ها به وحدت و هم‌دلی، مطرح گردیده و فضیلت‌های اخلاقی چهره‌های عاشورا، از جمله امام حسین، به خاطر خدامحوری، اخلاق کریمانه و ایثار، هم‌چنین اوصاف اخلاقی اصحاب و زنان، چون وفاداری، تعهد و اخلاص، از عوامل عمده اخلاقی - عاطفی وحدت نه تنها بین مسلمانان، بلکه در جوامع غیر مسلمان، بیان شده است. **واژگان کلیدی:** عاشورا، اسلام، وحدت اسلامی، توحید، آموزه دین، امویان، ظلم، شهادت، تأثیر، مسلمانان.

مقدمه

وحدت و هم‌گرایی از مفاهیمی است که در گرایش‌های علمی مختلف قابل مطالعه است، چون اگر وحدت جامعۀ انسانی را در زمره وحدت ملی قرار دهیم و نیز مفهوم وحدت اسلامی را ناظر به اتحاد جهان اسلام بدانیم، در رویکرد سیاسی به عنوان یک تاکتیک زندگی مطرح است. اما اگر به وحدت اسلامی به مثابه آموزه دین برگرفته از کتاب و سنت بنگریم، نوعی مطالعات دینی - اعتقادی خواهد

۱- فوق لیسانس فلسفه و کارشناسی حقوق و علوم سیاسی.

بود که به عنوان هدف بلندمدت مسلمانان در راستای دستیابی به دستورات الهی بر آن تأکید شده است. مطالعه وحدت و هم‌گرایی در جامعه اگر بر روی قشر خاصی از پیروان یک دین متمرکز باشد، علاوه بر این که موضوعی دینی - مذهبی است، جامعه‌شناسانان نیز خواهد بود. وانگهی اگر از تأثیر یک عنصر در جهت هم‌گرایی در جامعه سخن به میان آید، در زمره مباحث روان‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد. در این مقاله تلاش بر آن است که تأثیرات وحدت‌بخش عاشورا در بین مسلمانان، با بهره‌گیری از منابع اسلامی و آموزه‌های دین، تبیین گردد.

بخش اول: تعاریف و مفاهیم

تبیین مسئله

وحدت اسلامی یکی از نیازهای مهم جوامع اسلامی به خصوص در عصر حاضر به شمار می‌رود. آن‌جا که بیداری اسلامی با تأکید بر اصول، مبانی و آموزه‌های اسلامی از بین خروارها ظلم سنگین تاریخی سر برآورده است، مسلمانان را به صورت مستقیم و غیر مستقیم در ید واحد، به الگوگیری از اسلام اصیل و سیره پیشوایان دین فرا می‌خواند. از جمله آن الگوها و عوامل می‌توان از عاشورا با مبانی الهی - انسانی یاد نمود. عاشورا یکی از آثار انقلابی - دینی سلاله رسول خدا که در آن جان‌ها برای رضای خدا و اصلاح امت پیامبر گرامی اسلام نثار گردید، نقشه راه خوبی برای اتحاد مسلمانان در مبارزه با مستبدان و ستمگران به‌شمار می‌رود. مکتب عاشورا از آن جهت به عنوان عامل مهم در اتحاد مسلمین عمل می‌کند، که اصول، مبانی، روش‌ها و نظریه‌پردازی در آن مطابق دین اسلام، عقاید و ایدئولوژی مسلمانان، موافق فطرت و کرامت انسانی و سازگار با آزادی‌های معنوی و انسانی رقم خورده است. نه تنها مسلمانان بلکه غیر مسلمانان نیز در مقابل ارزش‌ها و آموزه‌های این مکتب سر ستایش فرود آورده‌اند. از این رو در این نوشتار آموزه‌های عاشورا که بر اساس آموزه‌های دین و اصول انسانی است، در راستای تحقق وحدت مسلمانان از زوایای گوناگون و رویکردهای مختلف، بدون محدودیت قلمرو زمانی و مکانی، بررسی گردیده و تلاش می‌شود به سؤالات ذیل به صورت منطقی و عقلانی پاسخ دهد:

- چگونه عاشورا باعث وحدت اسلامی می‌شود؟
- مبانی نظری - اعتقادی مکتب عاشورا کدام است؟
- سازگاری عاشورا با اندیشه انسجام‌خواه مسلمانان در چیست؟

چیستی عاشورا

عاشورا، روز دهم ماه محرم، سالروز شهادت امام حسین ، فرزندان و اصحاب او در کربلاست. در جاهلیت، عرب‌ها، این روز را روزه می‌گرفتند. در اسلام، با تشریح روزه رمضان، آن روزه نسخ شد.

(محدثی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۷۶). قرن‌ها پیش در فرهنگ مسلمانان «عاشورا» به عنوان تجلی روز درگیری حق و باطل شناخته شده که امام حسین در این روز، با یارانی اندک ولی با ایمان، با سپاه حکومت اموی ظالم به مقابله برخاست. «عاشورا، قیام عدالت‌خواهان با عددی قلیل و ایمان و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ‌نشین و مستکبران غارت‌گر بود...» (خمینی، ۱۳۷۸ش، ج ۹، ص ۵۷). عاشورا در بین مسلمانان به‌ویژه شیعیان، به‌خاطر واقعه شهادت امام حسین آخرین بازمانده اصحاب کساء، عظیم‌ترین روز سوگواری و ماتم به حساب می‌آید. (محمدی ری‌شهری و دیگران، ۱۳۸۸ش، ص ۳۸). امام صادق فرمود: «و اما یوم عاشورا فیوم اصیب فیہ الحسین صریحا بین اصحابه و اصحابه حوله صرعی عراة: عاشورا روزی است که حسین میان یارانش کشته بر زمین افتاد، یاران او نیز پیرامون او به خاک افتاده و عریان بودند» (مجلسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۹۵). اما روز عاشورا روز سرور پسر مرجانه، آل زیاد و اهل شام است. (پیشین).

چیستی وحدت اسلامی

وحدت اسلامی، عبارت است از این‌که فرقه‌های مسلمین یک‌دیگر را به‌طور صحیح بشناسند، از مواضع فکری و اعتقادی هم آگاهانه مطلع شوند، جهت حفظ و گسترش کیان و بنیاد اسلام از نزاعی که قرآن کریم از آن نهی نموده است (انفال/۴۶)، دور باشند. مسلمین برای دفاع از ساحت مقدس قرآن مجید، اصول ثابت و مشترک اسلامی، امتی متحد و هم‌نوا باشند. (صادق اردستانی، بی‌تا، ص ۵۰۲). منظور از «وحدت اسلامی» التزام قلبی و عملی به اصول مشترک اسلام است که به طور قطع ثابت شده و در عصر رسول اکرم مورد قبول همه بوده است و این‌که مسلمانان با حفظ سایر اختلافات نسبت به هم هم‌دلی پیدا کنند و به حقوق یک‌دیگر احترام بگذارند و مصالح متقابل را رعایت کنند.

۴- چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر بر دو نظریه کلان فلسفی و روان‌شناسی استوار است، که مسئله پژوهش از این دو نظرگاه، قابل تبیین می‌باشد؛ از نگاه فلسفی، نظریه توحید و از نگاه روان‌شناسی، دیدگاه روانشناسی اجتماعی مورد نظر است.

الف. نظریه «توحید»؛ که از جمله نماد عملی آن می‌توان به «وحدت اسلامی» و یا اتحاد مسلمانان اشاره نمود. طبق نظریه توحید، تمام موجودات ذره‌ای از رحمت و فیض الهی می‌باشند. با داشتن خدای واحد، خلقت از منبع واحد و نبی واحد و کتاب واحد، اختلاف و تفرقه بین انسان‌ها به خصوص مسلمانان، منطقی و عقلانی نخواهد بود. اهل تفکر عمیق انسانی، مسائل دنیا و آخرت

خویش را با نگاه توحیدی می‌نگرند. بنابراین در راستای تحقق این امر، با وام‌گیری از آموزه‌های دین و مباحث تاریخی، با توحیدمحوری، تأثیرات و نقش مهم عاشورا در انسجام مسلمانان بررسی می‌گردد.

ب. روان‌شناسی اجتماعی؛ از منظر این گرایش، چهار نظریه روانی - اجتماعی، تبیین تأثیرات عاشورا در وحدت میان مسلمانان را پشتیبانی می‌کند: ۱. ادراک اجتماعی؛ با مفهوم «اسناد» و «ارتباط کلامی و غیر کلامی» که اسناد کوششی است برای فهم انگیزه، قصد و صفات شخصی دیگران و درک علل رفتار آنان (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۵ش، ص ۳۸)؛ و از طریق «ارتباط کلامی و...» افراد نقش، جذابیت، نفوذ اجتماعی و... را در جامعه در تعامل با یک‌دیگر ایجاد می‌کنند. تلاش جوامع برای فهم انگیزه و فضایل چهره‌های عاشورا و ارتباط آنان از طریق کلام و سخنان امام حسین و یارانش، درک علل واقعه، نفوذ اجتماعی و تعامل بین مکتب عاشورا و جامعه انسانی را به وجود می‌آورد؛ ۲. نگرش؛ با سه مؤلفه شناختی، عاطفی و رفتاری، که نگرش یک روش نسبتاً پایدار در فکر، احساس و رفتار فرد، نسبت به افراد، جامعه، گروه‌ها و یا هر حادثه‌ای، است. (Sears, D. O. Peplau, L. A. & Taylor, S. E. , Social Psychology, 7th ed. Prentice-Hall, 1991).

بنابراین قرار گرفتن واقعه عاشورا در بستر «نگرش» افراد جامعه، حالت‌های درک، احساس عاطفی و عکس‌العمل‌هایی را به گونه‌ای پایدار در جامعه خلق می‌کند، که عاشورا از راه شناخت، عواطف را برانگیخته و رفتار متناسب با واقعه را در پی خواهد داشت، که می‌توان از آن به هم‌نوایی یاد کرد؛ ۳. نفوذ اجتماعی؛ با مفهوم «هم‌نوایی»، در جامعه قواعد و هنجارهایی وجود دارد، که افراد غالباً به این هنجارها پای‌بندند و خود را به آنها ملتزم احساس می‌کنند، (آذربایجانی، پیشین، ص ۳۶۵) مانند هنجار هم‌نوایی با مظلوم؛ ۴. شناخت اجتماعی؛ با مفهوم «شناخت خود»، «حرمت خود» و «شناخت دیگران» در صدد درک خود، افراد، حوادث و درک تعامل و مقایسه افراد در جامعه است، (Festinger, L. , A Theory of Social Comparison Processes. Human Relation, 7, 1954, p. 117-140). بنابراین از زاویه‌ای روان‌شناسی اجتماعی، چگونگی و فرآیند نقش عاشورا به عنوان یک اتفاق

۱. به مجموعه فرآیندهای فعالی که موجب فهم و درک رفتار دیگران می‌شود «ادراک اجتماعی Social Perception» گویند. (Baron, R. A. ,& Byrne, D, Social Psychology, 8th ed, Allyn and Bacon, 1997).

۲. به فرآیند پیچیده‌ای که در آن به مشاهده دیگران پرداخته و با اطلاعات اساسی، تلاش می‌شود علل رفتار آنان استنباط گردد «اسناد Attribution» گویند. (Kelley, H. H. , Attribution in Social Interaction. In E. E. Jones et al. (Eds.), Attribution: perceiving the causes of behavior. Morristown, NJ: General Learning Press, 1972).

مهم انسانی - اسلامی در جهت وحدت در جوامع اسلامی و غیر اسلامی با رویکرد عقلانی، منطقی و عاطفی - روانی ارزیابی می‌شود.

۵. پیشینه تحقیق

درباره تأثیرات عاشورا در هم‌گرایی اسلامی، تحقیق مستقلی ارائه نشده است گرچه در برخی کتاب‌ها و مقالات از آن به صورت پراکنده و غیرمستقیم، بحث شده، و از عاشورا به عنوان یکی از عوامل وحدت‌بخش، یاد شده است. بعضی منابع، وحدت اسلامی را با رویکردهای گوناگون مطرح کرده و در آنها به عاشورا به عنوان عامل تأثیرگذار در وحدت اسلامی، استناد نشده است و با تکیه بر مباحث سیاسی، تاریخی و مانند آن وحدت اسلامی تحلیل گردیده است که از جمله به کتاب: «الگوهای وحدت اسلامی از دیدگاه مصلحان دینی معاصر» و «اتحاد ملی و انسجام اسلامی رمز نجات و بقای مسلمین» می‌توان اشاره نمود.

بسیاری از منابع عاشورا پژوهی نیز به صورت مستقیم تأثیرات عاشورا در هم‌گرایی اسلامی را بیان نکرده‌اند، ولی آثاری بسیاری به تأثیرات عاشورا، در دیگر زمینه‌ها پرداخته‌اند؛ آثاری چون: نقش نهضت امام حسین در عزت جامعه انسانی، جواد سلیمانی؛ نقش امام حسین در احیای امر به معروف و نهی از منکر، ابراهیم انصاری خوئینی؛ انقلاب کربلا از دیدگاه اهل سنت، عبدالمجید ناصری داودی. هم‌چنین می‌توان به بسیاری از مقاتل اشاره نمود، که بیشتر به کیفیت و چگونگی واقعه عاشورا پرداخته‌اند. البته اثر آقای ناصری را از آن جهت که برخی نظرات مثبت اهل تسنن را در مورد عاشورا مطرح می‌کند، می‌توان از منابع تقریبی یاد نمود. بنابراین پژوهش حاضر در حد توان، با تحلیل منطقی - روان‌شناختی آموزه‌های دین، فرازهایی از مکتب عاشورا و مطالب تاریخی به گونه تطبیقی، در صد تبیین تأثیرات عاشورا در وحدت مسلمانان است، که به نوبه خود طرحی بدیع می‌باشد.

۶. فرضیه و اهداف پژوهش

مکتب عاشورا برخاسته از متن اعتقادات بلند انسانی - اسلامی و با مبانی‌ای چون توحید، نبوت، قرآن، اصول مشترک انسانی، تعاون و... از نگاه دینی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و عاطفی - روانی نه تنها در وحدت میان مسلمانان، بلکه در هم‌گرایی انسان‌های آزاده جهان نیز در حد بسیار بالایی مؤثر است. ضرورت و اهداف این پژوهش را می‌توان چنین برشمرد: ۱- شناخت عمق فرهنگ عاشورا به مثابه عامل مؤثر در تقویت وحدت اسلامی؛ ۲- شناخت نظرات اندیشمندان اسلامی و گسترش پژوهش و اجتهاد در منابع اسلامی؛ ۳- الگوسازی دیدگاه‌های اسلامی (حکیم، ۱۳۷۷ش، ص ۳۱) و فرهنگ غنی عاشورا؛ ۴- توسعه قدرت سیاسی، علمی، فرهنگی و ایجاد قدرت حقیقی بین

مسلمانان (پیشین)؛ ۵- رفع اختلاف و نزاع انسان‌ها و مسلمانان، طبق دستور قرآن کریم (انفال/۴۶)؛
 ۶- طرح راه‌کار اصولی و مسالمت‌آمیز در زندگی انسان‌ها با الهام از آموزه‌های دین به خصوص مکتب
 انسان‌ساز عاشورا.

۷. مبانی مکتب عاشورا

مکتب عاشورا، روی مبانی و اصولی بنا شده است که همه مسلمانان به آنها ایمان دارند. این
 اصول در ذیل، با استناد به آموزه‌های دین و با توجه به سخنان امام حسین بررسی می‌گردد.

الف) مبانی معرفت شناختی

۱. اعتقاد به توحید؛ ایمان به خدای واحد و اعتقاد به اصول فضیلت انسانی و اسلامی چون برابری،
 عدالت، انصاف، تقوا و پرهیزکاری، احترام به هم‌نوع و توجه به اصل کرامت انسانی، از اصول و مبانی
 مهمی است که مشروعیت عاشورا بر آن استوار است، که آن مبانی باعث ایجاد وحدت و صمیمیت در
 بین جامعه انسانی - اسلامی نیز می‌شود: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ
 الْبَيِّنَاتُ وَاُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ و چون کسانی مباشید که پس از آن که دلایل آشکار برایشان
 آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف کردند و برای آنان عذاب سنگین است». امام علی درباره تأثیر
 مشترکات مسلمانان در راستای وحدت اسلامی می‌فرماید: «... والههم واحد و نبیهم واحد، و کتابهم
 واحد أفرهم الله سبحانه بالاختلاف فأطاعوه أم نهأهم عنه فَعَصَوْهُ؟؛ در حالی که خدای آنان یکی
 است... آیا خدا آنان را به اختلاف امر کرده؟...» (دشتی، ۱۳۸۰ش، کلام ۱۸). در مکتب عاشورا ایمان به
 خدا یکی از محوری‌ترین عوامل در پیدایش خود آن مکتب بوده است. عاشورا با این ویژگی به طور
 قطع وحدت بین مسلمین را تقویت می‌کند.

۲. اعتقاد به قرآن کریم؛ هر کسی به قرآن تمسک کند خدا هدایتش را ضمانت نموده است.
 (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۳، ص ۳۶۹) «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همگی به ریسمان خدا چنگ
 زبید و پراکنده نشوید». یکی از مهم‌ترین مصادیق حبل‌الله، قرآن کریم است. در روایتی پیامبر
 حبل‌الله را به قرآن تفسیر می‌کند (طوسی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۵۴۵؛ طباطبایی، پیشین). دومین مصداق،
 پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشند. بر اساس روایتی از امام باقر در تفسیر آیه
 آمده است که اهل بیت پیامبر حبل‌الله هستند (عیاشی، ۱۳۳۹ش، ج ۱، ص ۱۹۴؛ بحرانی، ۱۳۶۱ش،
 ص ۶۷۲). رهبر مکتب عاشورا امام حسین یکی از مصادیق حبل‌الله، از عاملان و قاریان دائمی قرآن
 بوده است. به استناد حدیث ثقلین، امام قرآن ناطق است. از این رو اعتقاد به قرآن از مبانی برجسته و
 مهم مکتب عاشورا به شمار می‌رود.

۳. اعتقاد به نبوت و سیره حضرت پیامبر ؛ مبنای دیگری که عاشورا از نگاه اعتقادی بر آن بنا شده و از مبانی وحدت شیعه و سنی نیز به شمار می‌رود، نبوت پیامبر گرامی اسلام و سیره عملی و نظری آن حضرت می‌باشد. خداوند آن حضرت را «رحمة للعالمین» و پرچمدار صلح و دوستی برای مسلمانان و مردمان جهان معرفی کرده است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷ش). ایشان سال‌ها برای برادری، برابری، مبارزه با تبعیض نژادی تلاش نمود، در اوایل بعثت خود، نامه‌های متعددی برای زمامداران بزرگ آن عصر فرستاد و در آن نامه‌ها به بیان وجه مشترک مسلمانان با مردم آن کشورها پرداخت و بعد از دوستی و وحدت، به مسئله حقانیت اسلام اشاره کرد، میان مسلمانان عقد اخوت و الفت جاری نمود و رنگ اختلاف و نزاع را از چهره جامعه پاک نمود (عرفانی، تابستان ۱۳۸۶). اما در سیره نظری حضرت پیامبر ، چهارده معصوم محور وحدت جامعه اسلامی قلمداد شده‌اند: «فَأَتَمُّ أَهْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ يَهْمُ تَمَّتِ النُّعْمَةُ وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ اتَّوَلَّتِ الْكَلِمَةُ؛ شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما نعمت کامل گشته و پراکندگی بر طرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است» (کلینی، ۱۳۶۷ش، ص ۴۴۶). بنابراین عاشورا که عصاره سیره پیامبر ، حضرت امام حسن و امام حسین است (مجلسی، پیشین، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ خوارزمی، پیشین، ص ۱۸۸)، از واکنش‌های اعتقادی - ایمانی و رفتاری امام حسین پدید آمده است، که می‌تواند یکی از عوامل مهم وحدت در جوامع اسلامی و غیر اسلامی باشد.

ب) مبانی انسان‌شناختی

۱. تأکید بر اصول مشترک و ارزش‌های انسانی؛ نقاط مشترکی چون خدای واحد، خلقت از منبع واحد، امت، دین، قرآن و پیامبر واحد، باعث همکاری درون‌گروهی برای زیستن در جامعه انسانی - اسلامی می‌شود. با شعار «وحدت اسلامی» و براندازی تعصبات، نمی‌توان از حقایق عدول نمود، بلکه با پایه‌ریزی مبانی اعتقادی بر موازین علمی و کارشناسانه، سلوک اهل مذاهب با یکدیگر بر پایه مدارا و عدم خشونت، شکل می‌گیرد (شجاعی، [www. iqna. ir](http://www.iqna.ir)). در مکتب عاشورا به تمامی اصول و مشترکات انسانی (خدا، دین، آزادی، حق، عدالت و...) توجه شده و مورد احترام قرار گرفته است، از این رو از این رهگذر عاشورا با نگرش مسلمانان سخت‌یافته و در هم‌گرایی آنان تأثیرگذار خواهد بود.

۲. اصل تعاون، هم‌دردی و هم‌نوایی؛ «المؤمن من اهل الايمان بمنزلة الرأس من الجسد ... ؛ مؤمن نسبت به اهل ایمان چون سر نسبت به تن است» (نهج‌الفصاحه، ج ۳، ص ۱۰۶). مؤمن از رنج مؤمنان رنجور شود چنان‌که تن از رنج سر رنجور گردد. «المؤمن للمؤمن كالبنيان المرصوص يشد بعضه بعضاً؛ مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنایی محکم است که اجزای آن یکدیگر را استحکام می‌بخشد» (قشیری نیشابوری، ۱۴۱۹ق، ص ۱۹۹۹؛ نهج‌الفصاحه، ج ۳، ص ۱۰۳). امام حسین در مکتب عاشورا کمک و

همیاری به مسلمانان، بلکه به نوع بشر، را در حد اعلای آن انجام داد، با خون خود و یارانش به کمک بقای احکام الهی و ارزش‌های انسانی شتافت. این امر هر انسان بیداری را به تبعیت واداشته، و بنای همکاری و هم‌بستگی اسلامی را سامان می‌دهد.

بخش دوم: تأثیرات عاشورا در هم‌گرایی از نگاه درون‌دینی

این فصل به تحلیل نمادها و آموزه‌هایی چون جلب رضایت الهی، امر به معروف و نهی از منکر، اهمیت دادن به عبادات، ظلم‌ستیزی و... در مکتب عاشورا می‌پردازد، که با اعتقادات و باورهای هر انسان مسلمان موافق می‌باشد. بنابراین درون‌مایه وجودی عاشورا و تفکر انسان‌های بیدار، از یک جنس بوده و با هم متحدند، بدین جهت است که می‌توان گفت نقش عاشورا در انسجام و اتحاد اسلامی - انسانی بسیار برجسته است.

۱. تأکید به انجام دستورات الهی و آموزه‌های دین

الف) اهتمام به اقامه نماز حتی در ظهر روز عاشورا

امام حسین و یارانش در مسیر راه، نماز جماعت برگزار می‌کنند، سپاه حر نیز به امام اقتدا می‌کند. پیش از شب عاشورا که سپاه عمر سعد به طرف خیمه‌گاه امام می‌تازند، امام حسین برادرش عباس را می‌فرستد تا شب را جهت نماز و عبادت مهلت بخواهد: «ارجع الیهم ... لعلنا نصلی لربنا هذه الليلة...» (ابن‌اثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۵۸). حبیب این مظاهر به سپاه دشمن خطاب می‌کند که چرا می‌خواهید با گروهی بجنگید که سحرخیزان و شب‌زنده‌داران و اهل عبادت‌اند. (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۹ق، ج ۵، ص ۱۷۷). امام حسین و یارانش همه شب را به نماز و ستایش معبود یکتا، مشغول بودند. «لهم دوی کدوی النحل و هم ما بین راکع و ساجد و قاریء للقرآن...» (مفید، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص ۹۴؛ ابن طاووس، ۱۳۸۰ش، ص ۵۷؛ طبری، ۱۹۶۳م، ج ۴، ص ۶۱۷) «فقد اقبلو علی مناجات الله» (قرشی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۱۸۹). ظهر عاشورا، ابوتمامه صائدی^۱، وقت نماز را به یاد حضرت آورد و حضرت نیز او را دعا کرد: «ذکرت الصلوة جعلک الله من المصلین الذاکرین؛ خداوند تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد» (طبری، پیشین، ص ۳۳۴؛ مقرّم، پیشین، ص ۲۴۳ - ۲۴۴). امام فرمود: «حضرت صلاة الظهر فأمر زهیر ابن القین و سعید ابن عبد الله الحنفی ان يتقدّما أمامه بنصف من تخلف معه ثم صلی صلاة الخوف...» (ابن‌طاووس، پیشین، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ ثم صلی بهم الحسین صلاة الخوف تقدم سعید ابن عبد الله حنفی امامه، فاستهدف له یرمونه... (موسوی جزائری، ۱۳۸۸ش، ص ۲۷۲) امام فرمود از اینها بخواهید به

۱- تاریخ طبری ابوتمامه را به نام عمرو ابن عبدالله یاد نموده است، اما انساب الاعراب او را زیاد ابن عبدالله ثبت کرده است.

طور موقت دست از ما بردارند تا بتوانیم نماز بخوانیم. آنها مهلت ندادند، ولی امام به اتفاق جماعتی به نماز ایستادند و نماز خوف خواندند. (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ابن اثیر، ۱۹۷۸م، ج ۲، ص ۵۶۷). سعید ابن عبدالله نیز از یاران او بود که هنگام نماز، جلوی امام ایستاد و با پایان یافتن نماز امام، بر زمین افتاد و شهید نماز گشت (مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۲۱).

ب) امر به معروف و نهی از منکر

خداوند بهترین امت‌ها را امر کنندگان به معروف و نهی کنندگان از منکر می‌داند (آل عمران/۱۰۴). امام حسین از ابتدا، انگیزه قیام خود را در کنار قبر جدش «امر به معروف و نهی از منکر» معرفی نمود: «خدایا! این قبر پیامبر تو محمد ... خدایا! من معروف و نیکی را دوست دارم و از بدی و منکر، بیزارم...» (عزیزی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴). در وصیت‌نامه امام به برادرش محمد ابن حنفیه به این امر مهم تأکید شده است: «هذا، ما أوصی به الحسین ابن علی ... ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیرة جدی و ابی» (مجلسی، پیشین، ج ۴۴، ص ۳۲۹؛ خوارزمی، پیشین، ص ۱۸۸). روح پاک و احیای امر به معروف و نهی از منکر از روز اول تا لحظه آخر در حسین ابن علی متجلی بود. او به امر به معروف و نهی از منکر استناد نموده و به طور مکرر از آن به عنوان هدف خود سخن می‌گوید (مطهری، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۲۰۵).

ج) جهاد و عزت‌طلبی

جهاد یکی از پیام‌های عمده عاشورا و از واجبات دینی است. جهاد، معامله با خدایی است که مشتری جان‌ها و اموال مؤمنان است و به پیکارگران در راهش، نوید بهشت داده است، چه بکشند، چه کشته شوند (توبه/۱۱۱). امام حسین فرمود: «الجهاد علی اربعة اوجه: فجهادان فرض، و جهاد سنة لا یقام الا مع فرض...؛ جهاد بر چهار قسم می‌باشد، دو قسم آن واجب و [دو قسم دیگر] یکی مستحب است که بدون واجب قوام نمی‌یابد و دیگری مستحب است...» (شریفی، پیشین، ص ۲۸۲). پیامبر فرمود: «هر کس سنت نیکویی را پایه‌ریزی کند پاداش آن و پاداش هر کس که به آن عمل کند تا روز قیامت، به این شخص داده خواهد شد، بدون این که از اجر کسانی که آن را انجام می‌دهند چیزی کاسته شود» (حرانی، پیشین، ص ۱۷۳؛ ابن بابویه، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۲۴۰؛ مجلسی، پیشین، ج ۱۰۰، ص ۲۳). امام حسین از آن‌جا که می‌دید امویان به نابودی اسلام و سنت نبوی کمر بسته‌اند، فرمود: «من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله ناکتا عهده مخالفا لسنة رسول الله... فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله...» (طبری، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۹). بنابراین امام حسین برای

زنده نگه داشتن احکام الهی و سنت پیامبر که بهترین اعمال است (شریفی، پیشین)، منبع مشروعیت جهاد خویش را الهی و طبق سیره پیامبر و خود را شایسته رهبری و حکومت دانسته، برای نابودی دشمنان خدا، قیام کرد (ابن اثیر، پیشین، ج ۳ ص ۲۸۰؛ قرشی، پیشین، ج ۳، ص ۸۰). جهاد امام برای «اصلاح» امت پیامبر و بر اساس امر به معروف و نهی از منکر است (خوارزمی، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۸). «انی لا اری الموت الا سعادة و الحیاة مع الظالمین الا برما؛ من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ملامت و دلتنگی نمی بینم» (طبری، پیشین، ج ۵، ص ۴۰۴؛ عن عقبه ابن ابی العیزار و فیه «شهادة» بدل «سعادة» و «ولا الحیاة» بدل «الحیاة»؛ ابن عساکر، ۱۴۰۰ق، ج ۱۴، ص ۲۱۸؛ حرانی، پیشین، ص ۲۴۵؛ ابن طاووس، پیشین، ص ۱۳۸، مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۲). «موت فی عزّ خیر من حیاة فی ذلّ؛ مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۷۵).

د) عمل طبق سیره پیامبر

امام حسین تصمیم گرفت خود، به عنوان امام و پیرو رسول خدا، سنت‌های نبوی را در بین انسان‌ها پاس داشته و زنده نگه دارد. این امر را در سخنان شیوایی او می‌یابیم، که در منطقه «بیضه» برای هر دو سپاه (سپاه خودش و سپاه حر) سخن گفت: «ایها الناس! ان رسول الله قال: من رای سلطاناً جائراً مُستحلاً لحرام الله... هان ای مردم! همانا رسول خدا فرمود: هر که فرمان روایی ستمگر را ببیند که حرام‌های خدا را حلال می‌شمرد،... من از هر کس دیگر سزاوارترم که بر اینان شوریده و در برابرشان بایستم» (طبری، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۹). امام در نامه‌ای به بزرگان بصره می‌نویسد: «... و انا ادعوکم الی کتاب الله و سنة نبیه فان السنة قد امیتت و ان البدعة قد احییت...؛ شما را به پیروی از کتاب خدا و راه و روش پیامبر فرا می‌خوانم زیرا سنت پیامبر از میان رفته و بدعتها زنده شده است، پس اگر پیامبر را بپذیرید، شما را به راه سعادت رهبری خواهیم کرد» (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۹۰؛ طبری، پیشین، ج ۵، ص ۳۵۷؛ ابن اثیر، پیشین، ج ۴، ص ۲۳؛ ابی مخنف، ۱۳۶۷ش، ص ۱۰۷). «... ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی؛ من می‌خواهم به سیره جدم و پدرم عمل کنم» (مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۳۲۹).

ه) توجه به رضایت الهی

امام حسین در قنوت نمازش می‌فرمود: «خدایا! من با همه اینها به تو پناهنده می‌شوم... و در آن چه تو را از من راضی می‌کند، از جانم دریغ نمی‌کنم، زیرا تو مرا بدان راضی داشته‌ای» (مجلسی، پیشین، ج ۸۵، ص ۲۱۴). هم‌چنین می‌فرمود: «انی ماض فی امر رسول الله حیث امرنی و انا لله و انا الیه راجعون» (شریفی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۲۱) و تصمیم خود را به پای‌بندی به فرمان رسول خدا و

بازگشت به جوار رحمت، اعلام می‌نمود و هنگامی که سپاه حرّ راه را بر کاروان امام حسین بست، فرمود: «تکیه‌گاهم خداست و او مرا از شما بی‌نیاز می‌کند؛ سُبُّغْنِي اللهُ عَنكُمْ.» (پیشین، ص ۳۷۷) و آن‌جا که نیزه صالح ابن وهب بر پهلوی او اصابت کرد این ذکر را زمزمه نمود: «بِسْمِ اللهِ وَ بِاللّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ (مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۵۷)، اَللّهُ رِضًا بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (مقرّم، پیشین، ص ۳۵۷؛ ابومخنف، پیشین، ص ۹۰).

و) ایجاد اصلاحات در جامعه

کلمه «اصلاح‌گری» در سخنان امام حسین به معنای بیدار کردن، بازگرداندن ارزش‌ها و زنده کردن انسان‌ها و جامعه اسلامی از خواب غفلت به کار رفته است. ایشان در علت پذیرش دعوت کوفیان فرمود: «انّ اهل الكوفة كتبوا اليّ يسألونني ان اقدم عليهم لما رجوا من احياء معالم الحق و امامته البدع» (دینوری، ۱۹۶۰م، ج ۵، ص ۹۸؛ ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۴ش، ص ۴۵). حرکت احیایگانه و اصلاح‌طلبانه امام حسین در حوزه‌های ذیل قابل تبیین است:

۱. اصلاحات سیاسی

عزم امام حسین برای اصلاح سیاسی و ساختار حکومتی و تحقق حکومت دینی، به ویژه پس از مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید، آشکارتر و راسخ‌تر شد. آن حضرت در ادامه اعتراضات خود فرمود: «و قد سمعتُ رسول الله يقول: الخلافة محرمة على ال ابی سفیان...؛ از رسول خدا شنیدم: خلافت بر دودمان ابوسفیان حرام است» (قمی، پیشین، ص ۲۱۷). امام نوک پیکان اصلاح خود را متوجه ساختار حکومت و رهبری جامعه می‌کند. وی جز انسان عادل و وارسته کسی را شایسته رهبری جامعه اسلامی نمی‌داند: «فلعمری! ما الامام الا الحاکم بالکتاب، القائم بالقسط، الدائن بدین الحق، الحابس نفسه على ذلك لله؛ به جان خودم سوگند! امام و پیشوا نیست، مگر کسی که به کتاب خدا حکم کند، به دادگری قیام کند، به دین خدا عقیده‌مند باشد و خود را بر آن، به خاطر خدا، وقف کند» (مفید، پیشین، ج ۲، ص ۳۹).

۲. اصلاحات اجتماعی فرهنگی

امام حسین به عنوان مصلح اجتماعی و احیایگر سنت نبوی می‌فرماید: «انما خرجت لطلبِ الاصلاح فی امة جدی؛ همانا من برای اصلاح امت جدم و از بین بردن انحراف‌ها و بدعت‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی دست به قیام زدم» (مجلسی، پیشین). ایشان در سخنرانی خود در «منی» می‌فرماید: «ای دانشمندان و روشن‌فکران!... شما می‌بینید که پیمان‌های الهی را می‌شکنند و با قوانین خدا به مخالفت برمی‌خیزند... با سازش‌کاری و همکاری و مسامحه با ستمگران خود

را آسوده می‌دارید...» (شریفی، پیشین، ص ۲۷۱). آن حضرت به رواج ستمگری، فساد، فحشا، تضییع حقوق مستضعفان و انحراف از آموزه‌های دین اشاره نموده و دانشمندان را به جهاد فرهنگی فرا می‌خواند.

۲. احترام به حرمت مکه و حریم آل پیامبر

الف) توجه به حفظ حرمت خانه خدا؛ امام حسین همراه اهل بیت خود، از مدینه وارد مکه شده و در کنار بیت الله الحرام و حرم امن الهی سکنی گزید، یزید قصد جان امام را کرد و جز به بیعت یا قتل او رضایت نمی‌داد. امام در پاسخ ابن زبیر که پیشنهاد ماندن امام در مکه را داشت، فرمود: «به خدا سوگند، اگر یک وجب دورتر از این مسجد الحرام کشته شوم نزد من محبوب‌تر است تا این که وجبی به مکه نزدیک‌تر باشم...» (پیشین، ج ۵، ص ۳۸۵). محمد ابن حنفیه نیز به برادرش امام حسین گفته بود: در مکه بمانی، تو عزیزترین کس در حرم می‌باشی و دست کسی به تو نمی‌رسد. امام حسین (ع) فرمود: ای برادر! من بیم آن دارم که یزید پسر معاویه مرا ترور کند و به وسیله من حرمت بیت از بین برود (ابن‌اعثم کوفی، پیشین، ج ۵، ص ۷۲).

ب) تأکید بر حفظ حرمت حریم اهل بیت ؛ طبق حدیث پیامبر «انما مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینة نوح من دخلها نجا و من تخلف عنها غرق»؛ متقی هندی، ۱۳۸۹ق، ج ۱۲، حدیث ۳۴۱۴۴؛ مجلسی، پیشین، ج ۲۳، ص ۱۲۱) امام حسین کشتی نجات در امواج خروشان باطل است؛ «انّ الحسین مصباح الهدی و سفینة النجاة» (بحرانی، پیشین، ج ۴، ص ۵۲). از این رو او در مقام پیشوای مسلمین، همواره در حفظ حرمت اهل بیت می‌کوشید، از آنها پاسداری می‌کرد و آنها را یاری می‌نمود. امام پس از مبارزه نابرابر، که زخم‌های فراوان برداشته و بر زمین افتاده بود، وقتی متوجه شد که دشمن به خیام حرم نزدیک می‌شود، صدا زد: «وَيُحَكِّمُ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ!... فَأَمْنُوا عُتَاتِكُمْ وَ طُعَاتِكُمْ وَ جَهْلَكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا؛ وای بر شما! ای پیروان آل ابوسفیان!! اگر دین ندارید، پس در دنیا آزادمرد باشید... این من هستم که با شما می‌جنگم، و شما هم با من مبارزه می‌کنید، زنان که گناهی بر آنان نیست، پس متجاوزان و ستمگران و جاهلان خود را، مادام که زنده‌ام از خیمه‌گاه من بازدارید» (ابن‌طاووس، پیشین، ص ۱۶۳؛ ابی‌مخنف؛ پیشین، ص ۲۸۶؛ مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۵۱؛ امین، پیشین، ج ۱، ص ۶۰۹؛ قرشی، پیشین، ص ۳۰۱-۳۰۲).

۳. مبارزه با فساد حکومت اموی

در نگاه امام، یزید فاسق، شرابخوار و قاتل انسان‌های محترم بود که آشکارا گناه می‌کرد: «و یزید رجلٌ فاسقٌ شاربٌ خمر قاتل النفس المحترمة مُعلنٌ بالفسق» (ابن‌اعثم، پیشین، ص ۸۲۶؛ مجلسی، پیشین،

ج ۴، ص ۳۲۵). ذهبی درباره یزید می‌گوید: «کان ناصیباً، فظاً، غلیظاً، جلفاً، یتناول المسکر، و یفعل المنکر، افتتح دولته بقتل الشہید الحسین...» (ذهبی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۷). امام حسین فرمود: «فیاعجاب! و مالی لا اعجب و الارض من غاش غشوم...؛ شگفتا! و چرا در شگفت نباشم که زمین در تصرف مردی دغل و ستمکار و مالیات‌بگیری نابکار و حاکمی است بر مؤمنان که نسبت به آنها مهربانی ندارد» (حرانی، پیشین، ص ۱۷۲). و فرمود: «نحن اهل البیت اولی بولایة هذا الامر علیکم من هولاء المدعین ما لیس لهم؛ ما خاندان پیامبر از اینها که ادعای دروغ دارند... به ولایت و رهبری برتریم» (طبری، پیشین، ج ۴، ص ۳۰۳).

نمونه‌هایی از مفاسد حکومتی بنی‌امیه از دیدگاه غزالی عبارت است از: الف. خروج خلافت از مسیر خود و تبدیل آن به حکومت فردی و پادشاهی؛ ب. ضعیف شدن این احساس که جامعه و امت، مصدر قدرت و امرا خادم جامعه هستند و تقویت این احساس که حکام فرمانروای مطلق و مردم تابع محض هستند؛ ج. اشغال مقام خلافت توسط جوانی کم‌عقل و سفیه و بی‌بهره از معارف اسلام و گستاخ در معصیت و گناه؛ د. صرف بیت‌المال در مصارف خوشگذرانی خلفا و بستگان آنها به جای صرف در مصالح فقرا و حوایج آنها؛ هـ. پایمال شدن حقوق و آزادی‌های افراد توسط دستگاه حکومتی (غزالی، ۱۹۸۴م، ص ۱۷۸ و ۱۸۸).

بخش سوم: تأثیرات عاشورا در هم‌گرایی از نگاه برون‌دینی

نمادها و آموزه‌های عام الهی - انسانی که از گزینه‌های مهم تأکید شده در عاشورا است در این بخش بررسی می‌شود و ناظر به اصول کلی چون عدالت، اصل تعهد و وفاداری، حق‌مداری، آزادی، کرامت و عزت انسانی و... می‌باشد. این اصول از مشترکات مورد قبول همه انسان‌ها بوده و توجه و احترام به مشترکات انسانی، هم‌گرایی و اتحاد نظری را به دنبال دارد، بدین جهت عاشورا وحدت‌آفرین است. در ذیل این اصول به صورت مختصر بیان می‌گردد:

اهتمام به اصل حق و عدالت

امام حسین در دفاع از حق و عدالت می‌فرماید: «...ألا ترون الی الحق لا یعمل به و الی الباطل لا یتناهی عنه، لیرغب المؤمن فی لقاء الله محققا...؛ ... مگر خودتان نمی‌بینید که حق طرفدار ندارد و کسی به آن عمل نمی‌کند و مگر نمی‌بینید کسی از باطل روی‌گردان نیست؟ شخص مؤمن باید آرزوی مرگ کند و با فداکاری به لقاء الله بشتابد...» (ابن عساکر، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۱۸؛ طبرانی، ۱۳۶۳ق، ج ۳، ص ۱۱۵؛ طبری، پیشین، ج ۵، ص ۴۰۴؛ حرانی، پیشین، ص ۲۴۵؛ ابن طاووس، پیشین، ص ۱۳۸؛ مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۱۹۲). امام حسین امویان را به خاطر بی‌عدالتی، شایسته حکومت بر

مسلمانان نمی‌دانست: «سوگند به آن که جانم در دستان اوست، وظیفه امام عمل کردن به کتاب خدا و عدالت‌پیشگی و کرنش در برابر حق است. پیشوای امت باید بر اساس فرمان خدا عمل کند» (طبری، پیشین، ج ۵، ص ۳۵۲-۳۵۳).

۴. توجه به اصل تعهد و وفاداری

امام سجاد می‌فرماید که پدرم به یارانش در شب عاشورا فرمود: «... من عهدم را از شما بر گرفتم. شب همه جا را پوشانده است، آن را رهوار خویش گیرید و همگی بروید، این گروه در پی من هستند و اگر بر من دست یابند با دیگران کاری ندارند» (پیشین، ج ۴، ص ۳۱۷؛ مفید، پیشین، ص ۲۵۸؛ ابن‌اثیر، پیشین، ص ۲۸۵). همگی، از جمله برادرش عباس، گفتند: «لم نفعل ذلک؟ لنبقی بعدک؟ لا أرنا الله ذلک أبدا؛ چرا چنین کنیم؟ آیا برای اینکه پس از تو زنده بمانیم؟ خداوند هرگز چنین روزی را نیاورد!» (قرشی، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۱؛ نجمی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۹۸) همگی گفتند ما خذلان و زندگی بعد تو را نمی‌پذیریم (راوندی، بی‌تا، ص ۲۳۱). آغازگر این سخنان عباس ابن علی بود و بقیه نیز از او پیروی نموده و مانند وی سخن گفتند (مفید، ۱۳۸۷ش، ص ۱۶۷-۱۶۸). همه یک‌صدا گفتند: «به خدا قسم ما از تو جدا نمی‌شویم و جان خویش را فدایتان می‌کنیم. ما با سر و دست و سینه، تو را حفظ می‌کنیم! و آن‌گاه که کشته شدیم وظیفه خویش را انجام داده و به پایان رسانده‌ایم!» (بلاذری، ۱۳۹۷ق، ج ۳، ص ۳۳۹؛ طبری، پیشین، ج ۴، ص ۳۱۷-۳۱۸؛ ابن‌اثیر، پیشین، ج ۳، ص ۲۸۵؛ مفید، ۱۳۷۷ق، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ ابن‌بابویه، ۱۳۸۴ش، ص ۱۳۳).

۵. ایثار و فداکاری

ایثار و از خود گذشتگی امام حسین و یارانش فراتاریخی و فرامحیطی است. دانشمند اروپایی «موریس دوکبری» می‌نویسد: «امام حسین برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه، از جان و مال و فرزند گذشت...» (قاضی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۱). امام از مردم خواست کسانی که حاضرند خون خود را در راه خدا نثار کنند با او همسفر کربلا شوند. (مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۳۶۶). در فرهنگ عاشورا صحنه‌های زیبایی از ایثارگری دیده می‌شود؛ برای نمونه وقتی امام حسین به فرزندان عقیل و مسلم ابن عقیل فرمود که شهادت مسلم برایتان کافی است، صحنه را ترک کنید، یک‌صدا گفتند: به خدا سوگند چنین نخواهیم کرد. جان، مال، خانواده و هستی خود را فدای تو نموده تا شهادت در رکابت می‌جنگیم (طبری، پیشین، ص ۶۱۹؛ مفید، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص ۹۱-۹۲؛ ابن‌اثیر، پیشین، ج ۳، ص ۲۸۵؛ خوارزمی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۱). وقتی امام حسین شب عاشورا بیعت خود را از اصحاب خود برداشت، مسلم ابن عوسجه گفت: «هرگز از تو جدا نخواهم شد، اگر سلاحی برای جنگ

با آنان هم نداشته باشم با سنگ خواهم جنگید تا همراه تو به شهادت برسم» (طبری، پیشین، ص ۶۱۹).

۶. تأکید بر اصل آزادی انسانی

امام حسین فرمود: «مَوْتُ فِي عَزِّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ؛ مرگ با عزت بهتر از زندگی ذلیلانه است» (ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۷۵). این نگرش به زندگی، جلوه بارزی از آزادی را در مورد امام حسین، خاندان و یارانش به نمایش گذاشت. آن حضرت در آخرین لحظات حماسه کربلا دشمنان را به آزادی دعوت کرد و فرمود: «ای پیروان ابوسفیان! اگر دین ندارید، پس در دنیا آزادمرد باشید.» (مجلسی، پیشین، ج ۴۴، ص ۵۱). امام حسین برای شکل‌گیری آزادی، در وجود لشکر یزید فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ أَنْسِبُونِي مَنْ أَنَا ثُمَّ ارْجِعُوا إِلَى أَنْفُسِكُمْ...؛ ای مردم! درباره من دقت کنید و ببینید من کیستم. و سپس با خودتان خلوت کنید... پاسخ دهید، آیا سزاوار است که مرا بکشید و حرمتم را درهم شکنید... به خدا قسم! در میان مغرب و مشرق کسی غیر از من، به این عنوان پیدا نخواهد کرد.» سپس فرمود: «... أَوْلَمْ يُبَلِّغُكُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ لِي وَلاَخِي، هَذَانِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ آیا این حدیث پیامبر خدا درباره من و برادرم، به شما نرسیده که فرموده‌اند: اینها [حسن و حسین] آقای جوانان اهل بهشتند» (ابن‌نما، ۱۴۰۶ق، ص ۴۵).

۷. آزادی انتخاب در مکتب عاشورا

امام در روز قبل از خروج از مکه اعلام فرمود: «مَنْ كَانَ بَادِلًا فِينَا مُهْجَنَةً، وَ مَوْطِنًا عَلَيَّ لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيُرْحَلْ، فإني راحل مصباحاً ان شاء الله...؛ آگاه باشید، هر کس آماده است که جانش را در راه ما نثار کند، و خود را برای لقای پروردگار مهیا نماید، همراه ما بیاید، زیرا من انشاء الله فردا صبح عازم هستم» (پیشین، ص ۲۱؛ ابن‌طاووس، پیشین، ص ۵۳). بارها امام به همراهان خود می‌فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَيَّ حِدَّ السَّيْفِ وَ طَعْنَ الْأَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَإِلَّا فَلْيَنْصَرِفْ عَنَّا؛ ای مردم! هر کدام از شما که می‌تواند به ضربت شمشیر و نیزه‌ها صبر کند، با ما قیام کند وگرنه از میان ما بیرون رود و خود را نجات دهد» (قدوزی حنفی، ۱۳۷۱ق، ص ۴۰۶). در شب عاشورا نیز وقتی امام فرمود من بی‌عتم را برداشتم، می‌توانید در تاریکی شب بروید، اول حضرت عباس و سپس دیگران یک‌صدا گفتند: «به خدا قسم ما از تو جدا نمی‌شویم و جان خویش را فدایت می‌کنیم (بالذری، پیشین، ص ۳۳۹؛ ابن‌اثیر، پیشین، ج ۳، ص ۲۸۵؛ طبری، پیشین، ص ۳۱۷-۳۱۸؛ مفید، پیشین، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ ابن بابویه، پیشین، ص ۱۳۳؛ ابن‌اعثم کوفی، پیشین، ج ۵، ص ۱۷۰-۱۷۱؛ خوارزمی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۰-۲۵۱).

۸. حفظ عزت، حرمت و کرامت انسانی

اسلام آن قدر به شرافت نفس آدمی اهمیت داده که مرگ با عزت را بهتر از ماندن با ذلت می‌داند (نهج البلاغه، خطبه ۵۱). از نظر امام حسین انسان آزاد، کسی است که زندگی او همواره با عزت باشد: «الا و ان الدعی ابن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذله و هیهات منا الذله...» (حرانی، پیشین، ص ۲۴۱). از خاندان پیغمبر ذلت به دور است، نه خدا برای ما ذلت می‌خواهد و نه پیامبر او و نه مردان پاکدل و مؤمن و نه آن دامن‌های منزهی که ما را در میان خود پرورانده است. «نه، به خدا سوگند من دست ذلت به این ناپاکان نخواهم داد.» (بلاذری، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۸). شهید مطهری می‌گوید: «از جمله معروف امام حسین (هیئات منا الذلّة) تا دامنه قیامت، حرارت و نور می‌تابد، حماسه و کرامت و عزت و شرافت نفس می‌بارد.» (مطهری، پیشین، ص ۲۳۹؛ همو، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۵۲).

بخش چهارم: تأثیرات عاشورا در هم‌گرایی از منظر عاطفی - اخلاقی

این فصل به بررسی جنایت‌هایی در صحنه عاشورا می‌پردازد که از منظر اخلاق و عواطف انسانی مردود و غیر قابل پذیرش است. در مقابل، سیره، فضایل و ویژگی‌های اخلاقی، ارزش‌ها، ایستارها و طرز تلقی شخصیت‌های تأثیرگذار در مکتب عاشورا، از نگاه جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی با دو قاعدهٔ اسناد و هم‌نوایی به شیوه‌های گوناگون از جمله کلامی و غیرکلامی، باعث نفوذ اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی بر دیگران می‌شود و افراد با شناخت و درک عاطفی خود به هر طریقی با قربانیان حس هم‌گرایی پیدا نموده و با آنها هم‌نوایی می‌کنند. بنابراین در واقعه عاشورا نیز هر وجدان بیدار انسانی در یک حس مشترک، ارتباط عاطفی - روانی با قربانیان برقرار نموده و تحمل آن همه ظلم و جنایت دشمن را، غیر از اصلاح انسان، چیز دیگری نمی‌داند. آن‌جا کمترین کار در پاسخ به وجدان بیدار انسانی، وحدت و هم‌بستگی عاطفی - اخلاقی هم‌نویان است. بدین طریق واقعهٔ تراژدیک عاشورا، در اتحاد مسلمانان ایفای نقش می‌کند.

۱. تهدید و ارباب قبل از صحنه عاشورا

الف) وضعیت رعب و تهدیدی که معاویه و پس از او یزید به وجود آورده بودند، بسیاری را مجبور به سکوت کرده بود. در این شرایط امام حسین در خفا وظیفهٔ راهنمایی مردم را در مکه انجام می‌داد: «اسْمَعُوا مَقَالَتِي وَ اَكْتُمُوا قَوْلِي؛ حرف مرا بشنوید، اما رازدار باشید؛ سخن مرا پنهان نگه داشته و افشا نکنید...» (فرزانه، ۱۴۰۳، ص ۹۲). «نَمَّ ارْجِعُوا اِلَى اَمْصَارِكُمْ... فَادْعُوهُمْ اِلَى مَا تَعْلَمُونَ». وی خود علت این همه کتمان و رازداری را بیان می‌کند: «فَاتِي اَخَافُ اَنْ يَنْدَرَسَ هَذَا الْحَقُّ وَ يَذْهَبَ؛ من

می‌ترسم حق به طور کلی فراموش شود و مردم ندانند که اسلام و حکومت حق چه بود» (پیشین). امام حسین در مکه چنین دعا می‌کند: «وَلَكِنْ لِنُرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظَهِّرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ؛ همه این کارها اول برای این بود که ما آثار، پایه‌ها و ارزش‌های دین را به مردم نشان داده و هدایت‌گری کنیم، و بعد کارهای فاسد را اصلاح کنیم و مردم ستم‌دیده به امنیت برسند» (حرانی، پیشین، ص ۱۷۲).

ب) در زمان یزید، بیعت خواستن او از امام باعث شد که امنیت و آرامش از اهل بیت گرفته شود. ابن اعثم می‌گوید: «شبی حسین از خانه‌اش بیرون شد و کنار قبر جدش آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا! ... بر آنان گواه باش که مرا یاری نکردند و تباهم ساختند و حرمت مرا نگه نداشتند. این شکایت من به محضر توست تا روزی که دیدارت کنم». (ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۱۹). طبری می‌گوید: ابومخنف از ابوسعید مقبر نقل کرده است که امام حسین می‌فرمود: سپیده‌دمان، ستوران را نرمانم و مرا یزید نخوانند، آن روز که از روی ترس، دست در دست ستم بگذارم، در حالی که مرگ‌ها در کمین منند تا تنها بمانم. گوید: ... دو روز نگذشت که خبر رسید به مکه رفته است» (طبری، پیشین، ج ۳، ص ۲۷۱؛ زینالی و دیگران، ۱۳۸۳ش، ص ۳۲۶-۳۲۴). امام حسین هنگام وداع، رسول خدا را در خواب مشاهده کرد که فرمود: «ای حبیب من حسین جان ... در بهشت درجاتی است که هرگز به آنها نمی‌رسی مگر با شهادت». (ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۱۹) ... امام حسین بستگان خود را جمع کرد و خوابش را برای آنان بیان کرد همگی محزون و مغموم شدند و گریستند به طوریکه در شرق و غرب عالم کسی مانند آنها غمگین و گریان نبود (مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۳۲۸؛ قرشی، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۹؛ قندوزی حنفی، پیشین، ص ۳۳۴؛ زینالی و دیگران، پیشین، ص ۳۲۶-۳۲۴). امام همان شب، به سوی مکه حرکت نمود، و این آیه را می‌خواند (مفید، ۱۳۷۷ق، ج ۱، ص ۲۰۱): «بیمناک و نگران از شهر بیرون رفت، در حالی که می‌گفت: پروردگارا! مرا از ستمکاران نجات بخش» (قصص/۲۱). مضمون نامه عبدالله ابن عباس به یزید چنین است: «این را فراموش نخواهم کرد که تو حسین ابن علی را از مدینه و مکه خارج کردی، او ترسان و احتیاط‌کنان از آن‌جا خارج شد، در حالی که او عزیزترین فرد بطحا بود» (یعقوبی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۴۹).

۲. جنایات ضد بشری روز عاشورا

الف) بستن آب بر امام حسین و همراهان

در حادثه کربلا، روز هفتم محرم به دستور ابن زیاد، سپاه عمر سعد به فرماندهی عمرو ابن حجاج با پانصد سوار از رسیدن آب به خیمه‌گاه امام حسین جلوگیری کرد (امین، پیشین، ج ۱، ص ۵۹۹).

ابن اثیر، پیشین، ج ۲، ص ۵۵۶. این کار که سبب تشنگی شدید امام و اصحاب و فرزندان در روز عاشورا گردید، از سوزناک‌ترین حادثه‌های کربلا بود. این در حالی است قبل از واقعه عاشورا، سپاه دشمن (حر) در ذی‌حسب، نزدیک کربلا، توسط امام حسین و یارانش سیراب شدند. علی ابن طعان می‌گوید: «من با حر ابن یزید بودم، آخرین نفری بودم که رسیدم، چون امام حسین تشنگی من و اسبم را دید، به سیراب کردن من پرداخت. هر چه آب می‌نوشتیدم، از دهانه مشک می‌ریخت. امام فرمود: دهان مشک را برگردان. نمی‌دانستم چه کنم. خود امام لب مشک را برگرداند تا آنکه آب نوشیدم و اسبم را نیز سیراب کردم» (طبری، پیشین، ص ۳۰۵).

ب) کشتار و شهید نمودن مردان، زنان و کودکان

از صبح عاشورا تا ظهر بیش از هفتاد نفر از مردان پاک‌نهاد و جمعی از خاندان رسول خدا به دست لشکریان یزید به شهادت رسیدند که امام معصوم حسین ابن علی، برادرش ابوالفضل العباس، فرزندان او علی اکبر و علی اصغر، فرزند امام حسن قاسم و... در جمع شهدا بودند. زحر، از دشمنان امام حسین، زحر که در کربلا حضور داشت، بر یزید وارد شد، یزید از وی پرسید چه خبر آورده‌ای؟ زحر در پاسخ گفت: ... به خدا سوگند به اندازه سر بریدن و پوست کندن شتری بیشتر طول نکشید که همه را به قتل رساندیم (مفید، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۸). اما یزید، زحر ابن قیس را نومید کرد و جایزه‌ای به او نداد (طبری، پیشین، ج ۷، ص ۳۰۷۰ و ۳۰۷۱).

ج) بریدن و بر نیزه نمودن سرهای شهدای کربلا تا شام

سپاه اموی سرهای شهدای کربلا را از بدن‌ها جدا کرده، شهر به شهر گرداندند (شمس‌الدین، ۱۳۶۴ش، ص ۲۰۶). پیش از عاشورا نیز سر مسلم ابن عقیل و هانی ابن عروه را از بدن جدا کردند و به شام نزد یزید فرستادند. سرهای قیس ابن مسهر، عبدالله ابن بقطر، عبد الاعلی کعبی، عماره ابن صلخب نیز توسط ابن زیاد قطع شد. سرهای تعداد زیادی از شهدای کربلا هم از بدن جدا شد و آنها را به کوفه نزد ابن زیاد بردند. سرها را میان قبایل کنده، هوازن، تمیم، مذحج و .. تقسیم کردند و تعدادی از سرها را به کوفه بردند تا از این طریق نزد ابن زیاد و یزید، مقرب شوند. (مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۶۲). عبیدالله ابن زیاد فرمان داد تا سرها را بر چوب نصب کرده و در خیابان‌ها و کوچه‌های کوفه بچرخاند. نخستین سری که بر چوب نصب گردید، سر امام حسین بود (ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۷۴؛ مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۱۹). ابن زیاد هم سرها را به شام نزد یزید فرستاد (ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۶۰؛ مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۷۲).

د) غارت اموال و آتش زدن خیام حرم

پس از شهادت امام حسین سپاه عمر سعد به خیمه‌های اهل بیت حمله کرده و به غارت پرداختند. زنان و کودکان، گریان و داغدار و استغاثه‌کنان در صحرا پراکنده شدند، پس از آن خیمه‌ها را

آتش زدند. مقنعه از سر زنان کشیدند، انگشتر از انگشت‌ها و گوشواره از گوش‌ها و خلخال از پاها بیرون آوردند (مقرّم، پیشین، ص ۳۸۵). حتی فاطمه دختر امام حسین نقل کرده که به خیمه ما ریختند و من دختری کوچک بودم، با گریه خلخال از پایم در می‌آوردند. گفتم: ای دشمن خدا چرا گریه می‌کنی؟ گفت: برای این که دختر پیامبر را غارت می‌کنم. گفتم: غارت مکن. گفت: می‌ترسم دیگری بیاید و اینها را درآورد! (محمودی، ۱۷۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۹). امام سجاد فرموده است: «به خدا قسم هرگاه به عمه‌ها و خواهرانم نگاه می‌کنم، اشک در چشمانم می‌دود و به یاد فرار آنها در روز عاشورا از خیمه‌ای به خیمه دیگر و از پناهگاهی به پناهگاه دیگر می‌افتم، که آن گروه فریاد می‌زدند: خانه ظالمان را بسوزانید!» (قرشی، پیشین، ج ۳، ص ۲۹۹)

هـ) عریان‌سازی و مثله نمودن شهدا

از قساوت‌های دشمنان در کربلا، عریان نهادن جسم حسین بر روی خاک بود. امام، برای پیش‌گیری از این ظلم در روز عاشورا، قبل از عزیمت، از خواهرش لباس کهنه درخواست کرد: «اتونی ثوبا لا یرغب فیه احد اجعله تحت ثیابی لئلا اجرد منه بعد قتلی...» (محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۵۴) اما پیراهن امام را اسحاق ابن حویه حضرمی، زیرجامه‌اش را ابجر (ابحر) ابن کعب، عمامه‌اش را اخنس ابن مرثد و نعلین او را اسود ابن خالد پس از شهادت او از تنش درآوردند، حتی انگشتر او را بجدل ابن سلیم کلبی با بریدن انگشت وی، از دستش درآورد. (مفید، ۱۳۸۷ش، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ حرّ عاملی، ۱۳۵۷ق، ج ۵، جنتی، ص ۲۰۱؛ مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۵۸-۵۷).

و) دواندن اسب بر پیکر امام حسین

از جنایت‌های فجیع سپاه کوفه، اسب تاختن بر جسد سیدالشهدا پس از شهادت ایشان بود. ابن‌زیاد در نامه‌ای تند به عمر سعد نوشت که تو را برای مماشات و سازش... نفرستاده‌ایم. اگر حسین و یارانش تسلیم شدند، آنها را پیش من بفرست و گرنه برآنان بتاز تا آنها را کشته و مثله کنی که شایسته آن‌اند. اگر حسین کشته‌شد، بر پیکرش (بر سینه و پشتش) اسب بتاز (ابن‌اثیر، پیشین، ج ۲، ص ۵۵۸). عصر عاشورا، پس از شهادت سیدالشهدا و غارت خیمه‌ها، ده نفر داوطلب شدند و با اسب‌ها بر سینه و پشت امام تاختند و پیکر امام زیر سم اسبان له شد (مجلسی، پیشین، ص ۵۹).

۳. هتک حرمت اهل بیت پیامبر

الف) تحقیر و اسارت اهل بیت ؛ در حادثه کربلا، این فاجعه که اهل بیت امام حسین را پس از عاشورا اسیر گرفته و شهر به شهر گرداندند (همان، ص ۵۸) د نقض آشکار قوانین اسلام بود. یکی از شامیان از یزید می‌خواست که فاطمه دختر سیدالشهدا را به عنوان کنیز، به او ببخشد! که با اخطار حضرت زینب رو به رو شد (طبری، پیشین، ج ۴، ص ۳۵۳). حضرت زینب، حتی در مجلس یزید و

پیش روی او به این اسیر گرفتن و عمل ظالمانه و خارج از دین او اعتراض کرد: «اطننت یا یزید... بنات رسول الله سبایا قد هتکت ستورهن و ابدیت وجوههن...» (مقرم، پیشین، ص ۴۶۲) هنگامی که ابن زیاد سر امام حسین را نزد یزید فرستاد، اسیران، شامل زنان و دخترکان رسول خدا را نیز با ریسمان بست و با سر و روی عریان بر شتران بی پالان سوار کرد و به شام فرستاد (ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۶۰، مجلسی، پیشین، ج ۴۵، ص ۱۷۲). در مجلس یزید، فاطمه دختر امام حسین صدا زد: ای یزید! دختران رسول خدا اسیر باشند؟ بر اثر این سخن، حاضران و خانواده یزید در پس پرده صدایشان به گریه بلند شد. اسرا ابتدا به کوفه و از آن جا به شام برده شدند و چند روزی در دمشق اقامت کردند (قمی، پیشین، ج ۱، ص ۶۸۰).

ب) برداشتن حجاب از زنان اهل حرم؛ سید ابن طاووس می گوید: «سپس زنان را از خیمه گاه بیرون آوردند و آن را آتش زدند. زنان با سر و پای برهنه و گریه کنان بیرون دویدند...» (ابن طاووس، پیشین، ص ۱۸۰، ابن اعثم کوفی، پیشین، ج ۵، ص ۱۳۸). دختران رسول خدا و نور دیدگان زهرا، با سر برهنه و با شیون و زاری برای پیر و جوان نوحه سرایی می کردند، و چون خیمه گاه را آتش زدند، وحشت زده بیرون آمدند. بانوان سربرهنه مانده اند و بر سر و روی یتیمان دست نوازش می کشند. زنان را می بینی که بیوه و فرزندمرده شده اند و بر پاکیزگان و شیران بیشه می گریند. (ابن نما، پیشین، ص ۷۷).

۴. اخلاق و سیره امام حسین

الف) انس با قرآن؛ امام حسین با سیره قرآنی و اخلاقی خود، نه تنها شاگرد مکتب قرآن که عدل و شریک قرآن است. در حدیث ثقلین: «انی تارک فیکم التقلین کتاب الله و عترتی اهل بیته فانهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» (پیشین، ج ۲۳، ص ۱۳۳؛ مرحوم سید هاشم بحرینی در کتاب غایة المرام این حدیث را با ۳۹ سند از دانشمندان اهل تسنن و با هشتاد سند از دانشمندان شیعه نقل کرده است) که از شیعه و سنی نقل شده، هم دوشی امام به عنوان قرآن ناطق و قرآن به عنوان امام صامت بیان گردیده است. «فیهم کوائم القرآن و هم کُنُوزُ الرِّحمان؛ در وجود آنها کرامت ها و فضیلت های قرآن و گنج های الهی نهفته است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴). امام در نخستین برخورد با والی مدینه، یزید را پلید دانسته و با استناد به قرآن خود را «مُطَهَّر» می داند: «ألیک عتی، انا من بیته الطَّهارة» (احزاب/۳۳). آن گاه که با کاروان خود از مدینه بیرون آمد این آیه را تلاوت فرمود: «رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (قصص/۲۱ و ۲۲). انس امام با قرآن بعد از شهادت او نیز ادامه دارد: «منهال ابن عمرو» گوید، به خدا قسم آن گاه که سر بریده حسین بر سر نیزه حمل می شد، دیدم که مردی سوره کهف را می خواند، تا به این آیه رسید که: «أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا! آیا پنداشتی که داستان اصحاب کهف و رقیم از آیات شگفت ماست؟!» (کهف/۹) به خدا

سوغند ناگاه آن سر مطهر به سخن آمد و با زبان فصیح فرمود: «عجب من اصحاب الکهف قتلی و حملی؛ شگفت تر از اصحاب کهف، واقعه شهادت و بردن من بر نی است» (مجلسی، پیشین، ص ۱۸۸).
 (ب) اخلاق کریمانه؛ «عصام ابن مصطلق» شامی گوید: «در مدینه، حسین ابن علی را سب کردم، اما او فرمود: «اعوذ باللّه من الشیطان الرجیم... خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»، آن گاه فرمود: آرام باش و برای من و خودت از خداوند طلب مغفرت کن، اگر از ما یاری می‌خواستی ما تو را کمک می‌کردیم...». وی می‌گوید: آثار ندامت و پشیمانی در چهره ام نقش بست. آن گاه امام فرمود: سرزندی بر تو نیست، خداوند تو را می‌بخشاید که مهربان‌ترین مهربانان است. آیا تو اهل شامی؟ گفتم: بلی، گفت: خداوند ما و تو را زنده نگه دارد، هر حاجت و نیازی داشتی با ما در میان بگذار... عصام گوید: زمین با تمام وسعتش بر من تنگ شد. دوست داشتم که مرا در خود فرو برد. در همان لحظه ناگهان فکر کردم که در سرتاسر زمین محبوب‌تر از او و پدرش نزد من هیچ کس وجود ندارد.» (قمی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۶) امام حسین اسوه سخاوت بود، «بوهشام قناد» از بصره برای امام حسین کالا می‌آورد و آن حضرت از جای برنخاسته همه را به مردم می‌بخشید. (صافی گلپایگانی، ۱۳۶۷ش، ص ۱۵۰-۱۵۱).

(ج) عبادت، صبر و تسلیم؛ حسین با فضیلت و متمسک به دین بود و نماز و روزه و حج او بسیار بود (پیشین، ص ۱۶۵). «عقاد» گوید: علاوه بر نمازهای پنج‌گانه، نمازهای دیگر بجای می‌آورد و علاوه بر روزه ماه رمضان، در ماه‌های دیگر هم روزهایی را روزه می‌گرفت و در هیچ سال حج خانه خدا از او فوت نشد مگر آن که ناچار به ترک شده باشد (پیشین). امام حسین قهرمان صبر و تسلیم بود: «هر کس مرا رد کند و از یاری من سر باز زند صبر می‌کنم تا خدا بین من و قوم اموی حکم کند که او بهترین حکم‌کنندگان است.» (پیشین، ج ۴، ص ۳۳۰). صبحگاه عاشورا یاران خویش را چنین به صبر فرا می‌خواند که: «ای کریم زادگان! صبوری کنید، زیرا مرگ چونان پلی است که شما را از سختی‌ها و آسیب‌ها عبور داده و به بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاودانه می‌رساند...» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۸۹).

۵. حضرت امام سجاد

امام زین‌العابدین یکی از خاندان رسول الله بود که در صحنه عاشورا حضور داشت و همگام و همراه با پدرش به مبارزه علیه فساد و ظلم پرداخت. او شخصیت عبادی و وارسته جهان اسلام است. دعا‌های عرفانی او از جمله در مورد کظم غیض، اصلاح ذات‌البین و بسط عدالت الهی، مشهور است، که در همه امور زندگی از خدایش کمک خواسته است. در حدیقه‌الشیعه از طاووس یمانی نقل می‌کند: «نیمه شبی داخل حجره اسماعیل شدم دیدم که امام سجاد در سجده و دعا بود «الهی عیبک

بِفَنَائِكَ، مسکینکَ بِنَائِكَ، فقیرکَ بِنَائِكَ؛ ای خدا من، بنده کوچک تو به حریم خانه تو است، نیازمند به تو بر درت و محتاج و فقیر تو اطراف خانهات». هر وقت غم و مشکلی داشتیم، همان ذکر امام سجاد را می‌خواندم و خداوند حاجتم را روا می‌کرد». (مقدس اردبیلی، ۱۳۶۱ق، ص ۶۷. فنا در لغت به معنای فضا و اطراف خانه است).

۶. حضرت ابوالفضل العباس

هنگامی که امویان آب را بر روی اهل بیت بسته بودند، عطش بر امام حسین و اهل بیت او شدت یافت، حضرت برادرش عباس را فراخواند تا با سی سوار و بیست پیاده، آب به خیام حرم بیاورند، که ایشان موفق شد آب را به اردوگاه برساند (طبری، پیشین، ص ۳۱۲؛ ابن اثیر، پیشین، ص ۲۸۳؛ ابن جوزی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۴۸). از آن پس حضرت عباس به «سَقًا» مشهور شد (ابن نما، پیشین، ص ۵۱؛ حسینی کرکی حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۶۴؛ مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۳۷۸). وقتی که امام شب عاشورا صداهای دشمن را شنید، به حضرت عباس فرمود: «عباس! جانم به فدایت. سوار شو و نزد آنان برو... [حمله] آنان را تا فردا به تأخیر بینداز... تا ششی را برای پروردگارانمان به نماز بایستیم...». حضرت عباس ... موفق شد جنگ را به تأخیر بیندازد (طبری، پیشین، ج ۵، ص ۴۱۶؛ مفید، ۱۳۷۷ق، ج ۲، ص ۹۲؛ ابن شهر آشوب، پیشین، ج ۴، ص ۹۸؛ مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۳۹۱؛ امین، پیشین، ج ۷، ص ۴۳۰). شب عاشورا حضرت عباس پاسداری از حرم را بر عهده گرفت. صبح عاشورا، وقتی امام از نماز و نیایش فارغ شد، افراد خود را آماده دفاع کرد و پرچم لشکر را در قلب سپاه، به دست برادر خود حضرت عباس داد (دینوری، پیشین، ص ۲۵۶؛ ابن جوزی، پیشین، ص ۲۵۱؛ مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۴). در روز عاشورا حضرت عباس و برادرانش در جواب امان نامه شمر گفتند: «خدا تو و امان تو را لعنت کند! آیا به ما امان می‌دهی، در حالی که پسر رسول خدا امان ندارد؟!»، شمر با دیدن قاطعیت حضرت عباس سرافکنده به سوی لشکر خود بازگشت. (مفید، پیشین، ج ۲، ص ۹۱؛ طبرسی، پیشین، ص ۲۳۳؛ خوارزمی، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۶؛ ابن اثیر، پیشین، ج ۳، ص ۲۸۴؛ مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۳۹۰).

۷. حضرت زینب

ابن زیاد در کوفه، به حضرت زینب می‌گوید: «کیف رایت فعل الله باهل بیتک؟؛ معامله خدا را با اهل بیت چگونه دیدی؟» (مقرم، سید عبدالرزاق، پیشین، ص ۳۲۴)؛ زینب جواب می‌دهد: «ما رأیت الا جمیلاً؛ جز زیبایی چیزی ندیدم» (پیشین)؛ یعنی او نه تنها به شهادت راضی می‌باشد بلکه بر این خون و نبرد شجاعانه مباهات می‌کند و می‌گوید: «اینها از آن انسان‌هایی هستند که خداوند کشته شدن را بر پیشانی آنها ثبت کرده است و اکنون به سوی جایگاه‌های حقیقی خود رفته‌اند» (پیشین). حضرت

زینب با بی‌اعتنایی وارد مجلس ابن‌زیاد شد. ابن‌زیاد پرسید این زن کیست. زینب جوابی به او نداد. پس وی برای تحقیر حضرت گفت: «ستایش خدای را که شما را رسوا کرد و شما را کشت ...» اما زینب فرمود: «الحمد لله الذی اکرمنا بنبیه ... انما یفتضح الفاسق و یکذب الفاجر و هو غیرنا؛ ستایش خدای را که ما را با پیامبرش محمد گرامی داشت و از هرگونه پلیدی به خوبی پاک ساخت. جز این نیست که فاسق رسوا می‌شود و فاجر دروغ می‌گوید، که آن هم غیر از ما است» (پیشین) (مطهری، حماسه حسینی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۲۳۵ و ج ۱، ص ۴۲۶).

نتیجه‌گیری

مباحثی که با تأکید بر روان‌شناسی اجتماعی، دربارهٔ تأثیرات عاشورا بر وحدت مسلمانان، با استناد به تاریخ، آموزه‌های دین و احادیث مطرح گردید، نتایج ذیل را به دست می‌دهد:

۱- تأثیرات تربیتی - معنوی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و روانی - عاطفی عاشورا در همهٔ امور و زوایای زندگی انسان‌های آزاده و با عزت، برجسته و نمایان است، که وحدت‌آفرینی عاشورا یکی از تأثیرات سیاسی - اجتماعی آن مکتب در جامعهٔ اسلامی در سطح جزء، و در جامعهٔ جهانی در سطح کل می‌باشد.

۲- مبانی عمیق فلسفی، اعتقادی و حقوقی چون توحید، نبوت، قرآن کریم، سیرهٔ پیامبر اکرم ، اصل تعهد، تعاون، انصاف و... سبب ایجاد مشروعیت و مقبولیت عاشورا در بین انسان‌ها به خصوص مسلمانان گردیده است. این مقبولیت جمعی، به تعهد و هم‌بستگی جمعی جهت تحقق آن مبانی در جامعه منجر می‌گردد، که اتحاد مسلمانان یکی از آن هم‌گرایی‌ها است.

۳- درونمایه و عصارهٔ عاشورا، از نگاه درون‌دینی و برون‌دینی، متشکل از آموزه‌ها و نمادهای دینی و انسانی چون، جلب رضایت خداوند، امر به معروف و نهی از منکر، اصلاح جامعه بر اساس دین، سنت پیامبر و امام علی ، توجه به عبادات، احترام به اصول مشترک انسانی می‌باشد، زیرا فرد مسلمان و غیرمسلمان در یک نگاه دینی و عقلائی - منطقی، گرایش اعتقادی - دینی، مبنایی و اصولی به عاشورا پیدا می‌کند. این نوع گرایش توجه به زندگی شرافت‌مندانه را برمی‌انگیزاند که وحدت و انسجام انسانی و اسلامی یکی از راه‌کارهای آن نوع زندگی است.

۴- ارتکاب جنایات فجیع ضد بشری و ظلم و ستم دستگاه و سیستم حکومتی اموی علیه خاندان رسول‌الله در عاشورا، خارج از ایجاد تأملات و احساسات دینی، از منظر روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی، برانگیختن احساسات عاطفی - روانی و تأملات عمیق جامعه‌شناختی و روان‌شناختی انسان‌ها را در پی دارد. افراد پس از شناخت روحيات و سوابق دودمانی چهره‌های عاشورا، از طریق ادراک اجتماعی، چهره‌های کربلا را قهرمانان اجتماع با عزت

می‌دانند. از سوی دیگر، از ناحیه عاطفی - روانی به شدت با آنان احساس هم‌دردی و هم‌نوایی می‌کنند. از این نظرگاه نیز عاشورا در بین انسان‌ها، باعث هم‌گرایی و انسجام اسلامی و انسانی می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج الفصاحه.
۳. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۸۰ ش.
۴. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روانشناسی اجتماعی با نگرش اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۵ ش.
۵. ابن اثیر، عزالدین علی ابن محمد، الکامل فی التاریخ، دارالفکر، بیروت، ۱۹۷۸ م.
۶. ابن اعثم کوفی، محمد ابن علی، الفتوح، ترجمه: احمد ابن محمد مستوفی هروی، کتابفروشی ادبیه، تهران، ۱۳۷۹ ق.
۷. ابن بابویه، محمد ابن علی شیخ صدوق، خصال صدوق، کتابچی، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۸. _____، معانی الأخبار، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق.
۹. _____، امالی صدوق، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، کتابچی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. ابن جوزی، سبط، تذکرة الخواص، شریف رضی، قم، ۱۳۷۶ ش.
۱۱. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد ابن علی، مناقب آل ابی طالب، تحقیق: یوسف بقاعی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. ابن طاووس، سید رضی الدین علی ابن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، انتشارات نبوغ، قم، ۱۳۸۰ ش.
۱۳. ابن طاووس، سید عبدالکریم، فرحة الغری، نجف، ۱۳۶۳ ق.
۱۴. ابن عساکر، ابوالقاسم علی ابن الحسین، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، دارالفکر، قم، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. ابن منظور، محمد، لسان العرب، مؤسسه احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. ابن نما، جعفر ابن محمد ابن جعفر حلّی، مثیر الاحزان، مدرسه الامام المهدی (عج)، قم، ۱۴۰۶ ق.

۱۷. ابوالفرج اصفهانی، علی ابن حسین، مقاتل الطالبین، حیدریه، نجف، ۱۳۸۵ق.
۱۸. ابومخنف، لوط ابن یحیی، مقتل الحسین، ترجمه: سیدمحمدعلی موسوی جزایری، الامام منتظر، قم، ۱۳۸۸ش.
۱۹. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۲۰. امینی، عبدالحسین، الغدیر، ترجمه: محمدتقی واحدی، انتشارات غدیر، تهران، ۱۳۴۰ق.
۲۱. بحرانی، سید هاشم ابن سلیمان، مدینه المعجز، بی جا، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۲. _____، غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام، علی عاشور، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۲۳. _____، تفسیر البرهان، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۳۶۱ش.
۲۴. بلاذری، احمد ابن یحیی ابن جابر، انساب الاشراف، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۷ق.
۲۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، اسلام آیین همبستگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ش.
۲۶. حرّ عاملی، اثبات الهداة، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۷ق.
۲۷. حرانی، حسن ابن علی ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۷ش.
۲۸. حسینی کرکی حائری، سیدمحمد، تسلیه المجالس، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۸ق.
۲۹. حکیم، سیدمحمدباقر، وحدت اسلامی (از دیدگاه قرآن و سنت)، ترجمه: عبدالهادی فقهی زاده، تبیان، تهران، ۱۳۷۷ش.
۳۰. خمینی، روح الله، صحیفه نور، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، قم، ۱۳۷۸ش.
۳۱. خوارزمی مکی، ضیاءالدين ابی مؤید موفق، مقتل الحسین، الزهراء، نجف، ۱۳۶۷ق.
۳۲. دینوری، ابوحنیفه، الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر، دار الاحیاء التراث العربیه، قاهره، ۱۹۶۰م.
۳۳. ذهبی، شمس الدین محمد ابن احمد، سیر اعلام النبلاء، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۳۴. راوندی، قطب، الخراج و جرایح، مصطفوی، قم، بی تا.
۳۵. زینالی، سید حسین و دیگران، فرهنگ جامع سخنان امام حسین، ترجمه: علی مؤیدی، نشر معروف، قم، ج ۲، ۱۳۸۳ش.
۳۶. شجاعی، سید اسحاق، بررسی وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن، سایت خبرگزاری قرآنی ایران، www.iqna.ir.

۳۷. شریفی، محمود، موسوعة كلمات الامام الحسين، الهادی، قم، ۱۳۷۳ ش.
۳۸. شمس‌الدین، محمد مهدی، انصار الحسين ، ناصر هاشم‌زاده، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۳۹. طوسی، محمد، التبیان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۴۰. صادقی اردستانی، احمد، وحدت مسلمین، دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعت، قم، بی‌تا.
۴۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، پرتوی از عظمت حسین ، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۷ ش.
۴۲. ضیائی بیگدلی، محمدحسین، انگیزه قیام امام حسین، دار العلم، قم، ۱۳۷۴ ش.
۴۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۴ ق.
۴۴. طبرانی، سلیمان ابن احمد، المعجم الکبیر، مکتبه ابن تیمیّه، قاهره، ۱۳۶۳ ق.
۴۵. طبرسی، فضل ابن حسن، اعلام الوری، مؤسسه اهل بیت، قم، ۱۴۱۷ ق.
۴۶. طبری، محمد ابن جریر، تاریخ الطبری، دار المعارف، بیروت، ۱۹۶۳ م.
۴۷. عرفانی، محمد، راه کارهای تحقق انسجام اسلامی از منظر قرآن و روایات، اندیشه تقرب، ش ۱۳، تابستان ۱۳۸۶.
۴۸. عزیزی، عباس، نماز و عبادت امام حسین ، صلاه، قم، ۱۳۸۶ ش.
۴۹. عیاشی، محمد، ابوالنصر ابن مسعود، التفسیر، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، مکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ۱۳۳۹ ش.
۵۰. غزالی، محمد، الاسلام و الاستبداد سیاسی، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۸۴ م.
۵۱. فرزانه، احمد، نهج الشهاده، نشر فرهنگ اهل بیت، قم، ۱۴۰۳ ق.
۵۲. قاضی، نعمت الله، تاریخ سیاسی اسلام، پیروز، تهران، بی‌تا.
۵۳. قرشی، باقر شریف، حیاة الامام حسین، مؤسسه الاسلامیه للبحوث و المعلومات، قم، ۱۴۲۷ ق.
۵۴. قشیری نیشابوری، مسلم ابن حجاج، صحیح مسلم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۵۵. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، انتشارات اسوه، تهران، ۱۴۱۴ ق.
۵۶. _____، منتهی الآمال، انتشارات هجرت، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ ق.
۵۷. _____، نفس المهموم، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۵۸. قندوزی حنفی، سلیمان ابن ابراهیم، ینابیع الموده، انتشارات شریف الرضی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۱ ق.
۵۹. کراجکی، محمد ابن علی، کنز الفوائد، انتشارات مکتبه المصطفوی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۶۰. کلینی، محمد ابن یعقوب، اصول کافی، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش.

۶۱. متقی هندی، شیخ علاءالدین علی ابن حسام، **کنز العمال**، حیدرآباد دکن، دائرة المعارف عثمانیه، ۱۳۸۹ق.
۶۲. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، دارالکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۷۲ش.
۶۳. _____، **جلاء العیون**، سرور، قم، ۱۳۷۵ش.
۶۴. **مجله نور دانش**، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۴۱ش.
۶۵. محمدی ری شهری، محمد، و دیگران، **دانشنامه امام حسین**، ترجمه: محمد مرادی و محمد خنیفرزاده، دارالحديث، قم، ۱۳۸۸ش.
۶۶. محمودی، محمدباقر، **عبرات المصطفین**، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، قم، ج ۲، ۱۴۱۷ق.
۶۷. مطهری، مرتضی، **حماسه حسینی**، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۲ش.
۶۸. _____، **انسان کامل**، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۵ش.
۶۹. _____، **فلسفه اخلاق**، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۲ش.
۷۰. مفید، محمد ابن محمد ابن نعمان، **الارشاد**، علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۷۷ق.
۷۱. _____، **امالی**، تحقیق: حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ق.
۷۲. _____، **مقتل مفید**، ترجمه: سید علیرضا جعفری، انتشارات نبوغ، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۷۳. مقدس اردبیلی، احمد ابن محمد، **حدیقة الشیعه**، انتشارات گلی، تهران، ۱۳۶۱ش.
۷۴. مقرر، سیدعبدالرزاق، **مقتل الحسین** أو حدیث کربلاء، دار الکتب الاسلامی، بیروت، ۱۳۹۹ق.
۷۵. نجمی، محمدصادق، **سخنان حسین ابن علی** از مدینه تا کربلا، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دهم، ۱۳۸۱ش.
۷۶. یعقوبی، احمد ابن ابی یعقوب، **تاریخ الیعقوبی**، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۵ق.

77. Baron, R. A. ,& Byrne, D, Social Psychology, 8th ed, Allyn and Bacon, 1997.

78. Festinger, L. , A Theory of Social Comparison Processe. Human Relation, 7, 1954.

79. Kelley, H.H., Attribution in Social Interaction. In E. E. Jones et al. (Eds.), Attribution: perceiving the causes of behavior. Morristown, NJ: General Learning Press, 1972.
80. Sears, D. O. Peplau, L. A. & Taylor, S. E. , Social Psychology, 7th ed. Prentice-Hall, 1991.

